

تاخیر بنیادین ^و عصری

شرحی بر «منار و عقیق عصر مدرن» هانس بلومبرگ

ترجمه، تدوین و تالیف: زانبار ابراهیمی

۱۴۰۲

سرشناسه: ابراهیمی، ژانویه، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: تأخیر بنیادین روشنگری: شرحی بر مشروعیت عصر مدرن هانس بلومبرگ /

ترجمه، تدوین و تالیف: ژانویه ابراهیمی؛ ویراستار: مصطفی نخعی

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی هنری یگانه روزگار نو، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص ۱۴۰۵/۲۱۱ س ۱۳۵۱/۱۴۰۵ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۲۰-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب "Die legitimierung der zeit" اثر هانس بلومبرگ است.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: شرحی بر مشروعیت عصر مدرن هانس بلومبرگ.

موضوع: تمدن -- تاریخ

موضوع: Civilization -- History

موضوع: تمدن جدید

موضوع: Civilization, Modern

موضوع: فلسفه جدید

موضوع: Philosophy, Modern

موضوع: اروپا -- زندگی فرهنگی

موضوع: Europe -- Intellectual life

شماره افزودن: بلومبرگ، هانس، ۱۹۲۰ - ۱۹۹۶ م.

شماره افزودن: Blumenberg, Hans

رده بندی کنگره: CBAA

رده بندی دیویی: ۹۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۰۱۳۶

اطلاعات رکنورد کتابشناسی: فیبا

ترجمه، تدوین و تالیف: زانیار ابراهیمی

ویراستار: مصطفی نخعی

ناشر: نگاه روزگار نو

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

طراح جلد: سیدعلی میرفتاح

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۲۰-۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

📍 خیابان طالقان، خیابان سرپرست جنوبی، کوچه پارس، پلاک ۱

📞 ۸۸۸۰۷۱۸۸

🌐 www.Rpub.ir

📧 @roozegareno.pub

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

۱۹ پیشگفتار

۱۱۵ بخش اول

۱۱۷ تأخیر بنیادین روشنگری / زانیار ابراهیمی

۱۱۸ بلومبرگ در بستر آلمان پس از جنگ

۱۳۲ متافیزیک خاستگاه؛ نقد بلومبرگ بر تز سکولاریزاسیون

۱۴۲ مجادله بلومبرگ و لوویت

۱۷۳ مجادله بلومبرگ و اشمیت

۱۱۰ تأخیر بنیادین روشنگری و پروژه ناتمام مدرنیته

۱۱۹ بخش دوم

۱۳۱ مقدمه بر ترجمه انگلیسی مشروعبیت نصر مدرن / رابرت ام. والاس

۱۳۲ وضع اندیشه‌ای که بلومبرگ در آن مداخله کرد

۱۱۴۵ کیفرخواست لوویت علیه «بیشرفت» و دوران مدرن به مثابه محصولات سکولاریزاسیون

۱۱۴۷ دفاع بلومبرگ از بیشرفت ممکن و شرح او از خاستگاه دوران مدرن

۱۱۳۰ تبیین بلومبرگ از آموزه‌های مدرن «بیشرفت اجتناب‌ناپذیر»

۱۱۳۲ برخی دیگر از «مواضع دوباره تصرف‌شده» در دوران مدرن

۱۱۳۶ پروژه بلومبرگ به مثابه رادیکال‌سازی روشنگری

۱۱۳۳ سکولاریزاسیون: نقد مقوله نامشروعیت تاریخی / سخنرانی بلومبرگ در کنگره مونستر

بخش سوم ۱۷۱

۱۷۳ ژان کلود مونود و میراث تاریخی نظریه سکولاریزاسیون / استیون لایبر

۱۷۴ مفهوم سکولاریزاسیون: تعریف، نظریه‌های جریان اصلی و پیش فرض‌ها

۱۷۸ میراث تاریخی

۱۸۹ مروری بر الهیات سیاسی نازیایی مجدد آرای کارل اشمیت در دوره پس از جنگ / پیتر هوهند

۱۲۲۹ سکولاریزاسیون، تاریخ و نظریه سیاسی: مجادله هانس بلومبرگ و کارل اشمیت / سلیس مان و ایرا گاتولو

۱۲۳۱ ماهیت باوری تاریخی در برابر تاریخ‌مندی عقل

۱۲۳۳ شالوده الهیاتی امر سیاسی در نظر اشمیت: گنوسیم به مثابه سیاست مطلق

۱۲۳۹ امر سیاسی به مثابه امر نام: استفاده سیاسی اشمیت از الهیات

۱۲۴۷ از زندگی متأملانه به زندگی فعالانه: ابژری سازی مدرن نظریه و مشکل معیار / الیزابت برینت

۱۲۶۹ «دنیویت نادنیوی» دوران مدرن: مجادله بلومبرگ و هانا آرنت / الیزابت برینت

۱۲۶۹ مقدمه

۱۲۷۴ حمله بلومبرگ به تز سکولاریزاسیون

۱۲۷۶ اشغال مجدد به مثابه مقوله‌ای تاریخی

۱۲۸۰ دنیویت به مثابه «امضای دوران مدرن»

۱۲۸۳ دنیویت به مثابه وجه بازار دوران مدرن

۱۲۸۸ نتیجه‌گیری

۱۲۹۱ آیا پیشرفت مقوله‌ای ناخوب بر تسلی است: کانت، بلومبرگ و سیاست مدرن‌ها / میشل فونسل

۱۲۹۴ سکولاریزاسیون نام‌مکن آخرت‌شناسی

۱۲۹۸ پیدایش اندیشه پیشرفت

۱۳۰۱ مدرنیته و تسلی بخشی

۳۰۵ گنوسیسم، مدرنیته و تجسد الهی: مجادله فرکلین و بلومبرگ / ویلم استایفهااس

۳۰۵ گنوسیسم و مجادله معاصر بر سر مدرنیته

۳۰۹ اریک فولکلین: رشد گنوسیسم

۳۱۶ هانس بلومبرگ: غلبه دوم بر گنوسیسم

۳۲۲ جزم تجسد و شاکله تنش درون مسیحی

۳۲۲ گنوسیسم و مدرنیته: فروپاشی تنش درون مسیحی

۳۲۹ مدرنیته به مثابه تنویدیسه: خوانش آدو مازکوارد از مشروعیت عصر مدرن / ویلم استایفهااس

۳۳۲ فصل گنوسیسم بلومبرگ

۳۳۸ تنویدیسه بدون الهیات

۳۴۵ تنویدیسه بدون خدا

۳۴۹ بلومبرگ و مسئله مدرنیته / رابرت پپین

۳۷۵ یادداشت‌ها

پیشگفتار

کتاب پیش رو از سه بخش تشکیل می‌شود: در بخش نخست؛ کوشیده‌ام به مفیدترین و روشن‌ترین شکلی که از عهد و امان برمی‌آمده است، شرحی از مشروعیت عصر مدرن ارائه دهم. این شرح عصاره رساله دکتری من است که البته در اینجا به شکلی روزآمد و منقح آمده و عیناً همان چیزی نیست که در کسوت دانشجو از آن دفاع کرده‌ام. در آنچه تحت این عنوان خواهید خواند، ادعایی گزاف و عجیب و غریب ندارم؛ به گمانم همین‌که توانسته باشم درآمدی روشن‌گر و تسهیل‌کننده بر این کتاب عرضه کنم، کفایت می‌کند. بخش دوم، مقدمه والاس بر ترجمه انگلیسی مشروعیت و سخنرانی معروف بلومنبرگ در کنگره مونستر را دربرمی‌گیرد. مقدمه والاس، کمابیش تنها متنی است که در آن به ناتمامیت مدرنیته اشاره شده است. والاس از تعبیر بسیار حیاتی، تأخیر بنیادین روشنگری، سخن می‌گوید که بلومنبرگ در ویراست اول کتاب از آن استفاده کرده است. به سخن والاس، بلومنبرگ از قسمی مدرنیته منشوری و نه بلوری دفاع می‌کند؛ مدرنیته‌ای که از افق سکولاریزاسیون خارج نشده است و ناخالصی‌هایی در آن وجود دارد، مدرنیته‌ای که در آن روشنگری با تأخیر

سر می‌رسد. همانطور که می‌بینید، این عبارت علاوه بر عنوان اصلی کتاب حاضر، عنوان نوشته من و هسته اگر نه پارادوکس، دست‌کم تنشی است که در این اثر بزرگ می‌یابم. تنش مندرج در عرضه شرحی تاریخی از مهم‌ترین داعیه غیرتاریخی دوران مدرن؛ عقب نشستن از پیشینه‌ها و درانداختن طرحی تماماً نو بر بینه تاریخ. سخنرانی بلومبرگ در کنگره مونستر، نسخه کوتاه‌تر و آسان‌فهم استدلال‌های پیچیده‌تری است که او بعداً در مشروعیت بطشان داد (البته آسان‌فهم در حدی که از فیلسوف دشوارنویسی چون بلومبرگ می‌توان انتظار داشت). خوانش دقیق و باحوصله این سخنرانی، مواجهه خوانندگان با بخش اول مشروعیت را بسیار تسهیل می‌کند، بخشی که در آن بلومبرگ با لوویت، اشمیت و سایر اصحاب تز سکولاریزاسیون درمی‌پسند. همانطور که کرول در پایان الهی با بشری تاریخ می‌گوید (ص ۲۴۸)، حتی لوویت بعدها به جای مطالعه خود مشروعیت، همین سخنرانی را دست‌مایه مرور خویش بر نقد بلومبرگ قرار داد.

در بخش سوم، که طولانی‌ترین بخش کتاب نیز هست، ده مقاله را انتخاب و ترجمه کرده‌ام. معیارم برای گزینش مقاله‌ها این بوده است که مشروعیت را از بیشترین و بهترین زوایای ممکن روشن سازند و گفتگوهای پنهان و آشکار بلومبرگ با دیگر فیلسوفان را تشریح کنند. استیژن لاتره، در شرح روایت ژان کلود مونود، تصویری جامع را از جریان‌ها و اندیشمندان مختلف حاضر در این عرصه ترسیم می‌کند و پس از مقدمه والاس، که درآمدی بر خود کتاب مشروعیت است، مقاله او را می‌توان مدخل مفیدی برای شناخت بستر گسترده‌تر سکولاریزاسیون دانست. دو مقاله بعدی، به ترتیب نوشته پیتر هوندال و سلینا ماریا براگاگنولو، به کارل اشمیت می‌پردازند که مهم‌ترین طرف گفتگوی بلومبرگ است. همانطور که در مقاله هوندال خواهید خواند، شارحان اشمیت به دو دسته تقسیم می‌شوند: کسانی که الهیات و ایمان اشمیت را بر سیاست او اولویت می‌دهند و آنهایی که سیاست او را مقدم بر الهیاتش می‌دانند. خود هوندال، در دسته اول جای می‌گیرد. او به‌حق یکی از بهترین مقالات تفسیری را (نه فقط در جهان انگلیسی‌زبان) درباره اریک پترسون، کارل اشمیت و هانس بلومبرگ نوشته است. البته شرح گنوسی او از اشمیت، در مجادله اشمیت و بلومبرگ بر سر تفسیر جمله قصار گوته (تنها آنکه خود خداست، می‌تواند در

برابر خدا پایستد)، به باور من چندان قانع‌کننده نیست. در اینجا نباید گنوسیم اشمیت را جدی گرفت و اصیل دانست. گنوسیم ایزاری در دست اشمیت است تا با آن بتواند تداوم دشمنی را تضمین کند و در نتیجه بر حیات امر سیاسی بیافزاید. در مقابل، براگانولودر زمره کسانی است که سیاست اشمیت را اصیل می‌دانند. در بین این دسته از شارحان، براگانولویکی از پراجاع‌ترین مقالات را نوشته است. به‌علاوه، ترجمه این مقاله از آن رو ضروری بود که خود بلومبرگ نیز به دسته دوم تعلق دارد و معتقد است که اشمیت، ردای الهیات را بر سر تعلقات سیاسی اش می‌کشد و الهیات سیاسی او را در مقام الهیاتی صرفاً استعاری تحلیل می‌کند. بسیاری از شارحان، از جمله هاینریش مایر و روث گرو (که به دسته اول تعلق دارند)، نقد بلومبرگ را به دلیل یک سوپه‌گشی اش نقد کرده‌اند. اما چنانکه در بخش اول کتاب (تأخیر بنیادین روشنگری) خواهم گفت، این نقد را باید تعدیل کرد، چون حتی اگر ایمان و الهیات اشمیت را نیز اصیل بدانیم، در نهایت نمی‌توانیم از این استنتاج پرهیز کنیم که او می‌خواست این ایمان و الهیات شخصی را از راه دولت نام و امر سیاسی به مثابه امر تام (یعنی سوپه سیاسی اندیشه خود) محقق کند. دو مقاله بعدی، نوشته الیزابت برینت، بر گفتگوی کوتاه و مهم بلومبرگ با هانا آرنت در ابتدای مشروعیت، نور می‌تاباند. برینت در مقاله اول، دلالت‌های معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه نظریه بلومبرگ را با به‌کارگیری مفاهیم همدتا آرنتی «حیات متأملانه» و «حیات فعالانه» بررسی می‌کند و در این حین، ضمن توضیح مدل کارکردی تاریخ در نظر بلومبرگ، مفهوم تعیین‌کننده انسان‌مدل‌ساز را تشریح و آرای هر دوی آنها را از جهت مهمی تعدیل می‌کند. برینت در این تعدیل، مقاومت واقعیت در برابر مدل‌سازی‌ها را نکته‌ای می‌داند که بلومبرگ و آرنت از آن غفلت کرده‌اند. البته همانطور که به نقل از سوپیا بگر در بخش اول خواهیم گفت، بلومبرگ این سوپه از واقعیت را به مثابه امری که در برابر اراده ما مقاومت می‌کند، شکل و صورت خاص واقعیت در دوران مدرن تحلیل می‌کند و شاید از این حیث باید اصلاحیه برینت را اصلاح کرد. برینت در مقاله دوم، مواجهه مستقیم‌تر بلومبرگ با آرنت را می‌کاود. بلومبرگ با نقل قول‌هایی از وضع بشر آرنت، او را کمابیش هم‌ردیف اصحاب سکولاریزاسیون می‌شمارد، گویی او از جهان به مثابه مؤلفه‌ای ثابت سخن گفته است. با این حال، برینت نشان می‌دهد که بلومبرگ

و آرنت در سطحی عمیق‌تر با یکدیگر هم‌داستان‌اند، و در حالی که بلومبرگ از مشروعیت دوران مدرن دفاع می‌کند، آرنت به پیامدهای این دوران (البته نه برای طرد آن، بلکه در مقام چاره‌جویی) می‌پردازد و شاید بتوان گفت خلأ سیاسی را که در اندیشه بلومبرگ وجود دارد، می‌پوشاند (البته اخیراً آنگوس نیکولز با بررسی آثار منتشرشده بلومبرگ، این صبغه سیاسی را برجسته‌تر کرده است^۱ و نیز ترجمه مقاله مغفول‌مانده‌ای از بلومبرگ، «مفهوم واقعیت و نظریه دولت»، نشان داده است که این خلأ چنان که قبلاً پنداشته می‌شد، پررنگ نیست). در مقاله بعد، میسائیل فونسل پرتوی ارزشمند دیگری از نقاط افتراق بلومبرگ و لوویت در باب مفهوم پیشرفت می‌افکند. لوویت در معتاد در تاریخ از تبدیل مثبت به مفهوم پیشرفت نامتناهی سخن می‌گوید. در اینجا فونسل این نامتناهیت را نه نشئت‌گرفته از اوصاف الهی (و به تعبیر بلومبرگ، «هجرت» این اوصاف از آسمان به زمین) بلکه واجد کارکردی تسلی‌بخش و کمابیش روان‌شناختی می‌داند. این نامتناهیت سه کارکرد دارد: نخست! انسان‌ها را در مقام فرد تسکین می‌دهد، انسان‌هایی که به احتمال فراوان، پیامدهای دور و دراز پیشرفت را در عمر کوتاه خود نخواهند دید. به عبارت ساده‌تر، حال که نقطه پایانی برای پیشرفت قابل‌تصور نیست، هیچ فردی در هیچ زمینه و زمانه‌ای غبطه نخواهد خورد که عمرش کفاف مشاهده نقطه اوج این پیشرفت را نخواهد داد. دوم؛ پیشرفت نامتناهی، راه را بر جنایت‌پیشگانی خواهد بست که نقطه پایان را دستاویزی فرار می‌دهند تا افراد را به ابزار نیل به این پایان بدل سازند. فونسل در اینجا به خوبی هم‌دلی بلومبرگ با کانت را برجسته می‌سازد؛ اینکه انسان‌ها را باید چونان هدفی می‌نکند دید. سوم؛ پیشرفت نامتناهی نوعی آرمان تنظیمی برای سکونت در جهانی است که لنگرگاه‌های متافیزیکی و استعلایی‌اش را از دست داده است و شاید تنها راه مشروع برای کم‌کردن از فاصله هولناک

۱ نگاه کنید به این کتاب نیکولز، به ویژه فصل‌های هفتم و هشتم.

Myth and Human Sciences, Hans Blumenberg's Theory of Myth. Angus Nicholls, (New York: Routledge, 2015).

2 History, Metaphors, Fables, A Hans Blumenberg Reader, Edited, translated and with an Introduction by Hannes Bajohr, Florian Fuchs and Joe Paul Kroll, (2020; Cornell University Press and Cornell University Library Ithaca and London, pp. 84-116).

زیست‌زمان و جهان‌زمان است، و نه صورت سکولار شده‌ای از آخرت‌شناسی، که نقدی موحش دارد و لاجرم به سروری می‌انجامد که نمونه‌هایش را در نیمه اول قرن بیستم دیده‌ایم. دو مقاله بعدی را ویلم استایفهالس نوشته است. او در مقاله نخست خود، گفتگوی نیمه‌پنهان بلومبرگ با فوگلین را برجسته می‌سازد، که شاید پس از اشمیت و لویت، بتوان او را مهم‌ترین معارض بلومبرگ خواند. فوگلین مدرنیته را عصری گنوسی می‌داند و بلومبرگ آن را محصول غلبه دوم بر گنوسیم تحلیل می‌کند. استایفهالس نشان می‌دهد که فوگلین بیشتر در راستای نظریه لویت قرار می‌گیرد، چون بر گنوسیس به مثابه تجربه رستگاری تمرکز می‌کند و فلسفه‌های پیشرفت را البته نه صورت سکولار آخرت‌شناسی، بلکه انحراف از مسیحیت راست‌گیش و نقضی تنش میان زمین و آسمان می‌پندارد، در حالی که بلومبرگ این تنش و تناقض را بیماری الهیات و گنوسیم را نشانه عود این بیماری و سرانجام مرگ بیکرة الهیات تلقی می‌کند. استایفهالس در مقاله دوم خود، تکلمه مازکوارد (دوست و همکار بلومبرگ و تا حدی شارح او) را با تمرکز بر مفهوم تنودیسه بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که بلومبرگ به تنودیسه‌ای غیرالهیاتی (یا قسمی آنتروپودیسه) نظر دارد که در آن انسان نه به دنبال توجیه خلقت به مثابه مخلوق خداوند و تیرئه خداوند از شرارتی که گنوسیم به او منتسب می‌کند، بلکه به دنبال تیرئه خود خلقت در مقام پدیده‌ای خودیسا و بی‌اعتنا به ماست. این بی‌اعتنایی، به معنای خنثی شدن مسئله شر است. به عبارتی، حال که طبیعت به ما اعتنایی ندارد، شرور طبیعی را نمی‌توان به معنای دقیق کلمه شر دانست و حال که طبیعت خنثی و بی‌اعتناست، دوران مدرن پاسخی تازه به پرسش از شر نمی‌دهد، بلکه خود صورت مسئله را خنثی (و به تعبیری پاک) می‌کند. بر طبق تفسیر بلومبرگ از واقعیت در دوران مدرن، شر به معنای استعاری) هر آن چیزی است که در برابر اراده ما به زیستن و بهروزی قرار می‌گیرد. و سرانجام زابرت پیهین، در یکی از مهم‌ترین مقاله‌هایی که به زعم گذشت چند دهه، همچنان اعتبار خود را حفظ کرده است، به تشریح و نقد بلومبرگ می‌پردازد. امتیاز نقد پیهین این است که برخلاف کمابیش همه دیگر شارحان، که به دو بخش نخست مشروعبیت بسنده می‌کنند (که البته بخش‌های اصلی کتاب‌اند)، بخش‌های سوم و چهارم (و عمدتاً سوم) را شرح می‌دهد که به تبارشناسی کنجکاوی از زمان

سقراط تا دوران مدرن، و وجوه متمایز دو شخصیت جوردانو برونو و نیکولاس کوزایسی اختصاص یافته است. به علاوه، پیاپی گرچه خود را از سنت هگلی رها نمی‌سازد و نمی‌تواند از مقایسه بلومبرگ و هگل بپرهیزد، (و به گمان من به نحوی ناروا، روش ماکروسکوپی بلومبرگ را متهم به نزدیک‌بینی می‌کند)، در نقد بلومبرگ به نکات ارزشمندی اشاره می‌کند که در بخش «تأخیر متادین روشنگری» از آن استفاده کرده‌ام.

چنانکه از این پیشگفتار برمی‌آید، کتاب حاضر، درآمدی است بر ترجمه مشروعیّت عصر مدرن. هر بار به ترجمه این اثر بزرگ اندیشیده‌ام، دغدغه خاطر من این بوده است که آیا مقدمات نظری کافی برای این کار فراهم شده و آیا آثار تفسیری مکفی چنان به فارسی ترجمه شده‌اند که خوانندگان را برای مواجهه با این اثر آماده سازند. صاف و ساده بگویم، نمی‌خواستم که مشروعیّت به فارسی ترجمه شود (چه من این کار را انجام داده باشم و چه کسی یا کسانی دیگر) و برود در کتابخانه‌ها خاک بخورد، بی‌آنکه بحثی در انداخته و به درستی فهمیده شده یا جریانی لااقل کوچک ایجاد کرده باشد. بلومبرگ در مشروعیّت عصر مدرن اظهار می‌کند که مشروعیّت، زمانی به محل بحث تبدیل می‌شود که انکار شده باشد (ص ۶۱). بنابراین منطقی است که پیش از ترجمه خود اثر بلومبرگ، به آرای متکران و نافیان پرداخته شود تا دفاعیه او نیز بهتر به فهم درآید، دفاعیه‌ای که البته همانطور که خواهیم دید، خود قادر است بر زمینی مستقل بایستد و شأنی علی‌حده پیدا کند. بدین ترتیب، حال که از ترجمه و شرح آثار مهم‌ترین نافیان، چندین سال می‌گذرد، گمان می‌کنم که بتوان پس از مجلد حاضر، سر وقت کتاب اصلی رفت.